



Legal Analysis of Publishing the Picture of the Accused in the Court Proceeding in Reports

Yaser Takfallah*¹

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 117-130

Corresponding author Info

ORCID: 0000-0002-2731-7185

TELL: +989123442337

Email: y.takfallah@atu.ac.ir

Article history:

Received: 05 Jun 2024

Revised: 23 Jul 2024

Accepted: 02 Oct 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

The Rights of the Accused, Publication of the Accused's Images, Privacy, Preliminary Investigation of the Crime, Video Report.

ABSTRACT

According to Article 353 of the Criminal Procedure Law, it is allowed in the media to publish the proceeding and report of the case if it does not include the details of the plaintiff and the accused, their personal identity or their administrative and social status. This is despite the fact that the mass media publish their pictures in various stages of judicial proceedings, including the stage of court proceedings, by shading the faces of the defendants. The current research has examined the publication of these images from the perspective of rights. It should be mentioned that the information related to the background, legal evidence and the research results section was collected using the library documentary method and the data related to the measurement of the identification of the accused among the target groups was collected in an experimental way and for statistical data analysis as well. The statistical method of Pearson's correlation coefficient was used. According to the findings of this research, the publication of these images on television during the court proceedings is based on Article 353 of the Criminal Procedure Law and according to Article 697 of the Islamic Penal Code, the punishments and deterrent punishments section approved in 1996, the punishments are except in cases where If there is a limit of one month to one year of imprisonment and up to 74 lashes or one of them, it will be according to the case. On the other hand, according to Article 175 of the Constitution, the publication of these images is against the committed mission of the national media in providing information and also against the principle of innocence. In addition, broadcasting such reports, considering the identity of the accused, violates the principle of personal punishment and imposes double punishment on the accused person and his family.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Takfallah, Y (2024). "Legal Analysis of Publishing the Picture of the Accused in the Court Proceeding in Reports". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(4): 117-130.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

واکاوی حقوقی انتشار تصویر متهم در مرحله دادگاه در گزارش‌های خبری

یاسر تک‌فلاح*

۱. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

براساس ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در صورتی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. این در حالی است که رسانه‌های جمعی به غیر از موارد مصرح در قانون، با شطرنجی کردن چهره متهمان، تصویر آن‌ها را در مراحل مختلف رسیدگی قضایی، از جمله مرحله دادرسی در دادگاه منتشر می‌کنند. پژوهش حاضر انتشار این تصاویر را از منظر حقوق مورد بررسی قرار داده است. قابل ذکر است که اطلاعات مربوط به پیشینه، ادله حقوقی و بخش نتایج تحقیق به روش اسنادی کتابخانه‌ای گردآوری و داده‌های مربوط به سنجش میزان شناسایی هویت متهم در میان گروه‌های هدف به روش آزمایشی جمع‌آوری و برای تحلیل داده‌های آماری از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. براساس یافته‌های این پژوهش، انتشار این تصاویر در مرحله رسیدگی دادگاه از تلویزیون مبتنی بر ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری در حکم افترا بوده و باتوجه به ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵، مجازات آن به جز در مواردی که موجب حد باشد، یک‌ماه تا یک‌سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد خواهد بود. از طرفی انتشار این تصاویر باتوجه به اصل ۱۷۵ قانون اساسی مخالف رسالت متعهدانه رسانه ملی در قبال عرضه اطلاعات و همچنین مخالف اصل برائت است. مضاف بر آن که پخش این‌گونه گزارش‌ها، باتوجه به شناسایی هویت متهم، نقض اصل شخصی‌بودن مجازات‌هاست و تنبیه مضاعفی را به گردن شخص متهم و خانواده او تحمیل می‌کند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۷-۱۳۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۱۸۵-۲۷۳۱-۲۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۳۴۴۲۳۳۷

ایمیل: y.takfallah@atu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق متهم، انتشار تصاویر متهم، حریم خصوصی، تحقیقات مقدماتی جرم، گزارش تصویری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

به بهانه کارکرد اطلاع‌رسانی، حتی حاضر به نقض حریم خصوصی افراد می‌شوند.

یکی از موضوعاتی که خبرنگاران رسانه‌های جمعی را به دلیل داشتن ارزش خبری برخورد و جذب حداکثری مخاطب به خود جلب می‌کند، سوژه‌های خبری مرتبط با جرم و جنایت است. از یک طرف اصل آزادی بیان و اطلاعات به رسانه‌ها اجازه می‌دهند در چهارچوب ضوابطی به دادرسی‌های قضایی دسترسی پیدا کنند (ماده ۵ قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴)^۱ اصولی که گام مؤثری در عرصه‌های قضایی در کشف حقیقت برمی‌دارند و با آموزش و اطلاع‌رسانی درباره جرایم و مجازات‌ها و نحوه عملکرد نظام قضایی در تعقیب جرایم و مجازات مجرمان به پیشگیری از جرایم کمک می‌کنند.

اما از سویی دیگر انتشار گزارش‌های خبری مرتبط با جرم و جنایت باتوجه به رعایت اصل محرمانگی در مراحل مختلف رسیدگی‌های قضایی و همچنین محدودیت‌های قانونی (مواد ۲۹۶ و ۳۵۳ آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲) و اخلاقی که دین مبین اسلام پیش‌بینی کرده، تعارضی را در انتشار یا عدم انتشار این‌گونه گزارش‌های خبری پیش پای دست اندرکاران و مدیران رسانه‌ای قرار داده است، چراکه در صورت شناسایی هویت اصحاب دعوا در پخش این گزارش‌ها صدمات جبران‌ناپذیری به حیثیت معنوی و مادی افراد وارد می‌شود، مخصوصاً آن‌که براساس نظام هنجاری رسانه دینی و رسالت متعهدانه آن، رعایت بایسته‌های بازنمایی و انتشار این موضوعات از منظر آموزه اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد. به همین سبب دست‌اندرکاران رسانه ملی برای سلب مسؤولیت‌های

حفظ آبروی مؤمن، ازجمله موضوعاتی است که براساس احترام به کرامت انسان، در اسلام به آن توجه خاص شده و در آیات متعددی خداوند متعال هر سخنی که موجب ناراحتی و هتک حرمت مؤمن شود، مانند فاش کردن عیوب دیگران، دشنام‌دادن، تهمت‌زدن و غیبت‌کردن را ممنوع کرده است «لَا يَجِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا؛ خدا افشای بدی‌های دیگران را دوست ندارد، جز برای کسی که مورد ستم قرار گرفته است (که بر ستم‌دیده برای دفع ستم، افشای بدی‌های ستم‌کار جایز است) و خدا شنوا و داناست» (نساء/۱۴۸). اهمیت حفظ آبروی مؤمن به حدی است که پیامبر اسلام (ص) حرمت آن را همانند و همسنگ جان و مال او می‌داند: «إِنْ حُرِّمَ عَرَضُ الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ دِمِهِ وَ مَالِهِ» (توسیرکانی، ۱۴۱۳: ۲۲۶) و یا در روایتی دیگر از امام صادق (ع) فاش کردن عیوب و رازهای مؤمنان حرام دانسته شده است: «عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۱۴).

باتوجه به مستندات فوق، اصل در اسلام، رعایت احترام به شخصیت هر فرد مسلمان است. قواعد و قوانین آن علاوه بر آن که اجازه تعرض به موقعیت فردی و اجتماعی مسلمانان را نمی‌دهد، بلکه وظایف متعددی را برای حفظ آبروی افراد برشمرده است. همچنانکه قانون‌گذار در جمهوری اسلامی ایران در اصول و مواد مختلف، ازجمله اصل ۳۹ قانون اساسی حتی هتک حرمت و حیثیت کسانی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده‌اند، به‌هرصورت ممنوع و موجب مجازات دانسته است، اما اهمیت حفظ آبرو و حیثیت معنوی افراد در عصر حاضر و با حضور رسانه‌های جمعی و مخاطبان میلیونی آن دوچندان شده است. رسانه‌هایی که برای جذب مخاطب و

تبصره ۱: هرگونه عکس‌برداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است، اما رئیس دادگاه می‌تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او به‌صورت صوتی یا تصویری ضبط شود.

تبصره ۲: انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به علی، از قبیل خدشه‌دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضاییه امکان‌پذیر است.»

۱- «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به‌منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است» (مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲).

۲- «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است.»

۳- ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است، بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است.

تبیین و تشریح مهم‌ترین حقوق شهروندی و آزادی‌های اساسی پرداخته‌اند.

بیرانوند، کوشا و هاشمی، بهرام (۱۳۸۹) نیز در مقاله «وظایف پلیس شهروندمدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی»، با روش کتابخانه‌ای - اسنادی به وظایف پلیس در مواجهه با متهمان پرداخته و به این نتیجه رسیده که روش پلیس در مرحله تحقیقات مقدماتی با متهمان باید مبتنی بر القای امنیت و اطمینان در جهت حفظ حقوق شهروندی او باشد.

خالقی، علی (۱۳۸۸) در مقاله «تأملی بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها» به بررسی انتشار تصویر متهم در روزنامه‌ها پرداخته و از مجموع آرای قضایی، این نتیجه را می‌گیرد که قانون‌گذار با پیش‌بینی شروطی و ضوابطی می‌تواند دستور انتشار تصویر متهم را در رسانه‌ها صادر کند.

میرشکاری، عباس (۱۳۹۷) در مقاله «استثنای حق بر تصویر» با به رسمیت‌شناختن حق تصویر برای اشخاص، کسب رضایت افراد در تصویربرداری و انتشار عکس دیگران را لازم می‌داند. نویسنده، اما با برشمردن ادله استثنای حق بر تصویر به دست‌اندرکاران خبری این اجازه را می‌دهد در صورت اطلاع رسانی بدون اخذ اجازه از دیگران تصویر و منتشر کنند.

همان‌طور که در پیشینه تحقیق ملاحظه شد، مقالات مذکور به حقوق شهروندی متهم از منظر قوانین موضوعه کشور به‌طور عام و کلی پرداختند و حق تصویر متهم را در گزارش‌های خبری از منظر ادله حقوقی به‌طور خاص در مرحله دادگاه مورد بررسی قرار ندادند، لذا این پژوهش از این نظر بدیع بوده و دارای جنبه نوآوری است.

جوان جعفری، عبدالرضا و نوروزی، محمد (۱۳۹۹) در مقاله «رسانه‌ای کردن هویت متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها» در پژوهشی توصیفی - تحلیلی و انتقادی ضمن تبیین کارکردها و ایرادات رسانه‌ای کردن هویت متهم در مرحله تحقیقات، مطالعه این ضوابط را برای ضابطان جهت ممانعت از هرگونه بی‌نظمی لازم دانسته است. بنا به مطالعات نظری پژوهش، درج مشخصات متهم در رسانه‌ها دارای ماهیت

حقوقی و اخلاقی با شطرنجی‌کردن چهره متهمان، سعی در مخفی کردن هویت این افراد کرده‌اند.

حال مسأله اساسی این پژوهش این است که اولاً مخدوش کردن تصاویر متهم در گزارش‌های خبری منجر به عدم شناخت هویت آن‌ها و در نتیجه رعایت اصول برائت و حفظ آبروی افراد در مرحله رسیدگی دادگاه می‌شود؟ ثانیاً در صورت عدم حفظ محرمانگی در گزارش‌های خبری، ادله حقوقی برای عدم انتشار این گزارش‌های خبری از رسانه ملی چیست؟

۱- تعریف مفاهیم

۱-۱- متهم

متهم کسی است که فاعل جرم تلقی شده، ولی هنوز انتساب جرم به او محرز نشده است و در مقابل مجرم استعمال می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۶۱۴). آنچه محور اساسی در تعریف متهم است، وجود احتمال ارتکاب جرم از سوی اوست. واژه متهم در متون فقهی، غالباً به معنای کسی است که درباره‌اش احتمالی داده می‌شود که مانع از مؤثرشناختن سخن یا اقدام وی می‌باشد، مثل شهادی که احتمال دروغ‌گویی او وجود دارد. گاهی نیز این کلمه به معنای کسی است که درباره‌اش احتمال ارتکاب جرم داده می‌شود. در برخی متون فقهی نیز به‌طور خاص، عنوان متهم به قتل استعمال شده است (فخارطوسی، ۱۳۹۱: ۲۴).

۱-۲- گزارش خبری

گزارش خبری درواقع تشریح یک رویداد خبر است که گزارشگر با دستمایه خبر به جزئیات وقوع آن می‌پردازد و اطلاعات تازه را با شیوه‌ای توصیفی ارائه می‌دهد و حس کنجکاوی مخاطب را که با خواندن خبر ارضاء نشده و پرسش‌هایی بر جای گذاشته، اقناع کند (بدیعی و قندی، ۱۳۹۰: ۲۷۷).

۲- پیشینه پژوهش

تحقیقات گوناگونی درباره حقوق متهم و مبانی آن صورت پذیرفته است لکن درباره حقوق انتشار تصویر متهم در مرحله دادگاه در گزارش خبری مطالبی بیان نشده است.

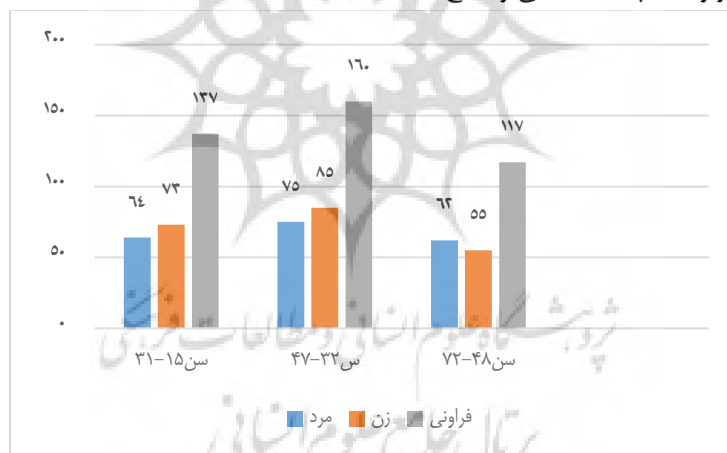
مقیمی و نیازخانی (۱۳۸۹)، در تحقیقی با عنوان «بررسی حقوق شهروندی متهمان در مرحله کشف جرم توسط پلیس»، به

روش کتابخانه‌ای و اسنادی و بخش مربوط به سنجش شناسایی هویت افراد به صورت آزمایشی مورد پژوهش قرار گرفته است. جامعه آماری در قسمت کمی مردم البرز و حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد که تا ۴۰۰ نفر تحقیق ادامه پیدا کرد. روش نمونه‌گیری هم به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله بوده است. در ادامه با شطرنجی کردن چهره افراد حجم نمونه و قراردادن این تصاویر در گزارش‌های خبری مرتبط با دادگاه و نمایش آن‌ها به گروه‌های چهارگانه خانواده، فامیل، دوستان و همسایگان، احتمال شناسایی افراد را مورد بررسی قرار دادیم.

۳-۱- توصیف داده‌ها

سیمای پاسخگویان:

جدول ۱: درصد فراوانی نسبی افراد مورد بررسی بر حسب سن و جنسیت در گروه خانواده



نمودار ۱: درصد فراوانی در گروه خانواده

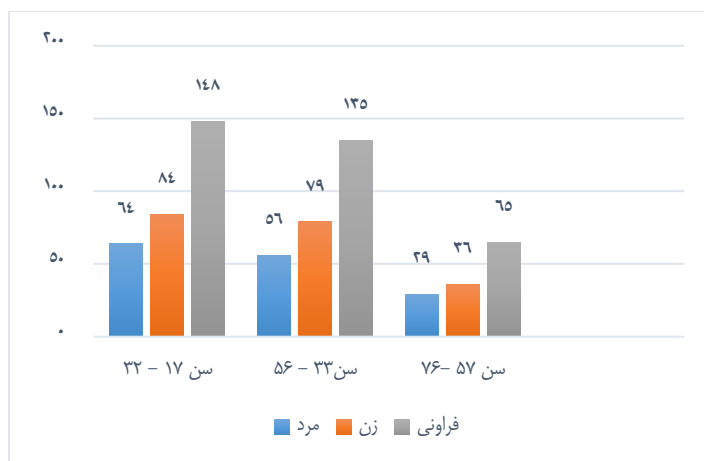
قضایی بوده و لازم است «آیین‌نامه اجرایی نحوه انتشار هویت متهم» که دربردارنده بایسته‌هایی چون رسانه مجاز به انتشار هویت، تعداد انتشار آگهی و ... است، توسط متخصصین تدوین گردد.

کاظمی، سیدسجاد و چگینی، حامد (۱۴۰۱) در مقاله «تشهیر متهم»: از اصل ممنوعیت تا موارد اباحه قانونی» با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای درصدد اثبات این موضوع برآمده که مطابق منابع فقهی (امامیه) و متون قانونی مجوزی برای تشهیر متهم از طرفی چون متهم گردانی یا انتشار تصاویر تار شده و شطرنجی یا انتشار حروف ابتدایی نام و نام خانوادگی متهمان وجود ندارد و علاوه بر آن، تشهیر متهم در سایه مواردی چون انتشار تصاویر نیز باید به‌ندرت و با رعایت شرایط ویژه انجام گیرد.

۳- روش‌شناسی تحقیق

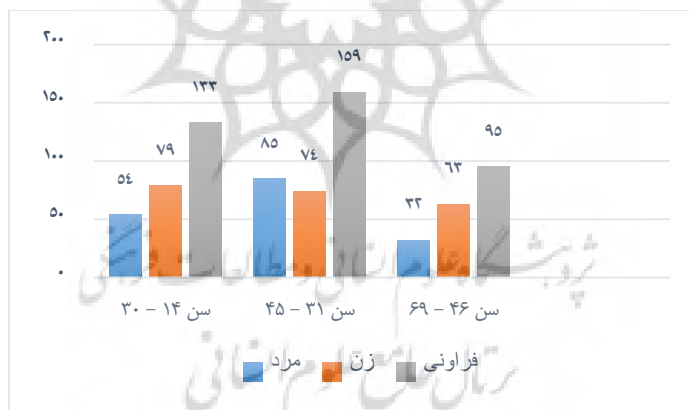
روش این مقاله به روش ترکیبی (کتابخانه‌ای، اسنادی و آزمایشی) بوده است. بخش مربوط به پیشینه، مبانی و نتایج با

باتوجه به داده‌های نمودار، بیشترین درصد فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۲-۴۷ سال بوده است و کمترین درصد فراوانی به گروه سنی ۴۸-۷۲ سال اختصاص دارد.



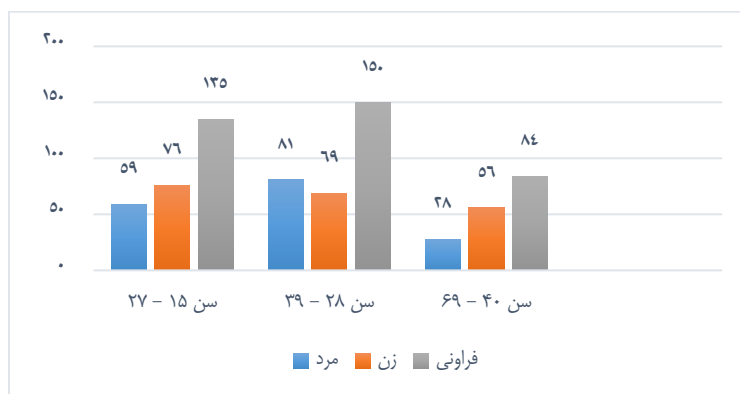
نمودار ۲: درصد فراوانی در گروه فامیل

باتوجه به نمودار ۲ بیشترین درصد فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۷-۳۲ سال و کمترین درصد فراوانی به گروه سنی ۵۷-۷۶ سال اختصاص داشته است.



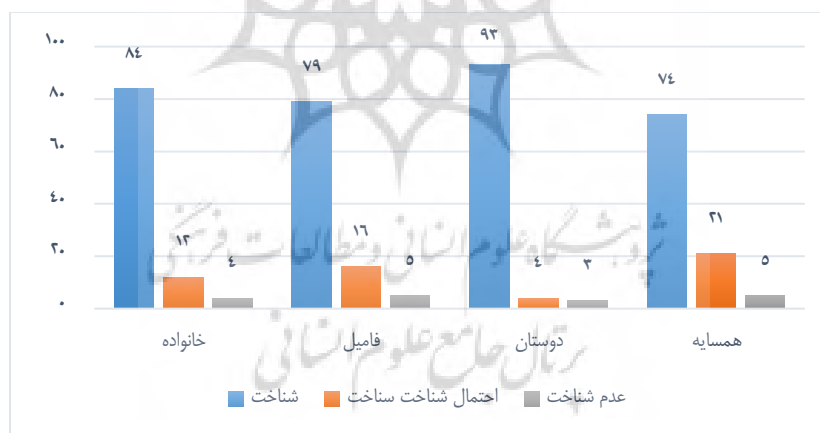
نمودار ۳: درصد فراوانی در گروه دوستان

با توجه نمودار ۳ بیشترین درصد فراوانی جنسیت به گروه ۴۵-۳۱ سال و کمترین درصد فراوانی به گروه سنی ۴۶-۶۹ سال است.



نمودار ۴: درصد فراوانی در گروه همسایه

با توجه نمودار ۴ گروه سنی ۲۸-۳۹ سال بیشترین فراوانی و کمترین درصد فراوانی مربوط به گروه سنی ۴۰-۶۹ بوده است.



نمودار ۵: میزان شناسایی در گروه‌های مختلف

باتوجه به نمودار ۵ از تصاویر شطرنجی که به گروه‌های چهارگانه دوستان، خانواده، فامیل و همسایه نمایش داده شده است، به ترتیب با ۹۳، ۸۴، ۷۹ و ۷۴ درصد هویت افراد حجم نمونه را شناسایی کرده‌اند.

۳-۲- تحلیل داده‌ها

باتوجه به داده‌های فوق، برای اثبات یا رد فرضیه «عدم تأثیر شطرنجی‌کردن تصاویر در شناسایی هویت افراد» از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، بهره می‌بریم.

شناسایی هویت متهمان			متغیر
سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	n	
۰/۰۲۵	۰/۲۵۷	۴۰۰	شطرنجی‌کردن تصویر متهمان

تصویر متهم در جریان دادرسی علنی دادگاه در نظام حقوقی ایران می‌پردازیم.

۴-۱- عنصر قانونی

تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، قانون‌گذار درخصوص انتشار جریان دادرسی کیفری علنی و هویت اصحاب دعوا توسط رسانه‌های گروهی سکوت اختیار کرده بود و به‌موجب ماده ۲۹ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، فقط انتشار جریان دادرسی غیرعلنی منع شده بود.^۱ با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، به‌موجب تبصره ماده ۱۸۸ این قانون، انتشار جریان دادرسی علنی در رسانه‌های گروهی قبل از قطعیت حکم ممنوع و تخلف از این منع در حکم افترا شناخته شد، اما با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، انتشار جریان دادرسی کیفری علنی با تغییراتی مواجه شد. قسمت اول ماده ۳۵۳ این قانون به‌عنوان عنصر قانونی جرم انتشار جریان دادرسی کیفری علنی، همانند قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، انتشار جریان دادرسی کیفری را بدون ذکر نام و مشخصات طرفین دعوا همچنان مجاز می‌داند.

ماده ۳۵۳ این قانون اشعار می‌دارد: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان

باتوجه به نتایج جدول و سطح معنی‌داری آزمون همبستگی برابر با ۰/۲۵ است که از خطای ۰/۰۵ کمتر است، فرضیه بالا تأیید می‌شود، یعنی شطرنجی‌کردن تصویر متهمان در گزارش‌های خبری مانع شناسایی هویت آن‌ها نمی‌شود.

۴-۲- بررسی حقوقی انتشار تصویر متهم در دادرسی علنی دادگاه

در نظام حقوقی ایران به‌موجب مواد ۳۵۲ و ۳۵۳ آیین دادرسی کیفری اصل بر علنی‌بودن دادگاه‌ها و انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بنابراین رسانه‌های گروهی می‌توانند در جلسات دادرسی حضور داشته و اطلاعاتی که از دادرسی‌ها کسب می‌کنند را منتشر نمایند، ولی معمولاً برای حفظ نظم عمومی و مصون‌ماندن افراد از معرض قرارگرفتن افترا و تهمت انتشار این اطلاعات با محدودیت همراه است، به‌طوری‌که تخلف از این محدودیت در قانون جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. از طرفی برای این‌که یک عمل مجرمانه به وقوع بپیوندد، لازم است که عناصر تشکیل دهنده جرم، یعنی عناصر مادی، قانونی و معنوی احراز شود. در این مبحث به بررسی عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم انتشار

^۱ گروهی قبل از قطعی‌شدن حکم، مجاز نخواهد بود و متخلف از این تبصره به مجازات مقتری محکوم خواهد شد.

^۱ - ماده ۲۹ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ بیان می‌دارد: «انتشار ... مذاکرات غیرعلنی محاکم دادگستری ... ممنوع است ...».

^۲ - تبصره ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸: «منظور از علنی‌بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می‌باشد، لکن انتشار آن در رسانه‌های

مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم اقترا است.»

تبصره ۱ این ماده برخلاف قانون قبلی، صریحاً عکس‌برداری و فیلم‌برداری از جلسه دادگاه را منوط به اجازه رییس دادگاه می‌داند و تغییر اساسی در این قانون، نسبت به قانون ۱۳۷۸ تبصره ۲ این ماده می‌باشد که انتشار جریان رسیدگی، با ذکر نام و مشخصات طرفین در موارد ضروری به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رییس قوه قضاییه را مجاز می‌داند.^۱

۴-۲- عنصر مادی

تحقق هر جرم منوط به انجام‌دادن رفتاری است که قانون‌گذار آن را منع کرده، لذا در این قسمت عنصر مادی این جرم را در سه قسمت فعل مثبت مادی، شرایط، اوضاع، احوال و نتیجه مجرمانه بررسی می‌کنیم.

۴-۲-۱- فعل مثبت مادی

در جرم انتشار جریان دادرسی کیفری عام علنی مثل اغلب جرایم، رفتار مجرمانه مرتکب باید به شکل فعل مثبت باشد. به موجب قسمت اول ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم اقتراء است.»

طبق این ماده قانون‌گذار انتشار جریان رسیدگی را محدود کرده و تنها تخلف از این محدودیت را جرم دانسته است. عنصر مادی جرم، انتشار جریان رسیدگی با بیان مشخصات طرفین و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان جزء در موارد استثنائیه در قانون است. بنابراین انتشار دادرسی را می‌توان به‌عنوان رفتار مادی و فیزیکی جرم دانست. با این که انتشار در قانون تعریف نشده، اما آنچه در عنصر مادی جرم انتشار جریان دادرسی، مورد تأکید است، در دسترس قرارگرفتن بالقوه عموم مشخصات

طرفین و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان است. به‌عبارت دیگر وقتی مطلبی منتشرشده تلقی می‌شود که به صورت بالفعل در اختیار عموم قرار گیرد یا حداقل این خصوصیت بالقوه را داشته باشد، زیرا در غیر این صورت انتشار خبر را نخواهد داشت. یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مسکوت مانده بود، این است که در قانون جدید خبرنگاران تحت نظر و ریاست دادگاه باید فعالیت کنند و به‌موجب تبصره ۲ ماده ۳۵۳ هرگونه فیلم‌برداری و عکس‌برداری از جلسه دادگاه باید با اجازه قاضی دادگاه باشد. این تبصره قانونی را می‌توان یکی از نکات مثبت قانون‌گذاری در قانون جدید تلقی کرد. به‌دلیل آنکه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در این مورد سخنی به میان نیامده و صرف علنی‌بودن جلسه دادگاه مجوزی برای حضور خبرنگاران و رسانه‌های گروهی می‌باشد و هیچ قدرت قانونی برای قاضی دادگاه که از فیلم‌برداری و عکس‌برداری از جلسه دادگاه توسط خبرنگاران و رسانه‌ها جلوگیری کند، قائل نشده بود. بحث‌برانگیزترین نکته در ماده ۳۵۳ تبصره ۲ این ماده می‌باشد که استثنایی بر انتشار محدود جریان رسیدگی وارد کرده است. طبق این تبصره در مواردی، از قبیل خدشه‌دارشدن وجدان عمومی و یا حفظ نظم عمومی ذکر نام و مشخصات طرفین، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رییس قوه قضاییه مجاز است. این تبصره تمایل قانون‌گذار به هرچه شفاف‌تر بر گزارشدن دادگاه‌ها را نشان می‌دهد و در واقع قانون‌گذار با ذکر این ماده خواسته تا نقص قانون قبلی در این زمینه را جبران کند. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، هیچ شخص و ارگانی نمی‌توانست مجوز انتشار مشخصات طرفین را حتی در موارد خاص جزء در مورد مجرمین اقتصادی صادر نماید، درحالی‌که در بسیاری از پرونده‌ها دیده می‌شد که اسامی و مشخصات طرفین پرونده با اجازه قوه قضاییه در رسانه‌ها منتشر می‌شد بدون این که مجوز قانونی در این زمینه وجود داشته باشد.

^۲- تبصره ۲: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی، از قبیل خدشه‌دارشدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رییس قوه قضاییه امکان‌پذیر است.»

^۱- تبصره ۱: «هرگونه عکس‌برداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است، اما رییس دادگاه می‌تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او به صورت صوتی یا تصویری ضبط شود.»

۴-۲-۲- شرایط، اوضاع و احوال

۴-۲-۲-۱- ارتکاب توسط رسانه‌های گروهی

باتوجه به ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری انتشار مشخصات شاکی و متهم و هویت آنان فقط در رسانه‌ها ممنوع اعلام شده و هر نوع انتشار دیگری به غیر از انتشار در رسانه‌های گروهی طبق این ماده قانونی جرم دانسته نشده است. بنابراین طبق ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری ارتکاب جرم انتشار جریان دادرسی کیفری علنی منحصراً توسط رسانه‌های گروهی صورت می‌گیرد.

۴-۲-۲-۲- خبرنگاران رسانه‌های گروهی

خبرنگار بودن شخص منتشرکننده جریان دادرسی شرط دیگر ارتکاب جرم انتشار جریان دادرسی کیفری عام علنی است؛ درواقع جرم مذکور از سوی افراد عادی قابل ارتکاب نیست. در قانون آیین دادرسی کیفری تعریفی از خبرنگار نشده است. در ماده ۲ آیین‌نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران مصوب ۲۲ شهریور ۵۴ آمده است: «**خبرنگار**، نماینده روزنامه، مجله، خبرگزاری و یا مؤسسه‌ای است که به‌موجب پروانه صادره از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی^۱ به این سمت شناخته شده است.» موجب ماده ۳ این آیین‌نامه خبرنگاران به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱- خبرنگار سیاسی؛ ۲- خبرنگار اجتماعی؛ ۳- خبرنگار عکاس. بنابراین می‌توان گفت: اولاً خبرنگار شخصی است که با انتخاب فعالیت خبری به‌عنوان حرفه خود، در یک مؤسسه یا بنگاه خبری، اعم از روزنامه، رادیو و تلویزیون به فعالیت می‌پردازد؛ ثانیاً مجوز یا پروانه خبرنگاری از مجاری ذی‌ربط نیز دریافت کرده باشد.

۴-۲-۲-۳- دادرسی علنی

با استنباط از ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان گفت که یکی دیگر از شرایط جرم انتشار جریان دادرسی کیفری، علنی بودن دادرسی می‌باشد. به‌دلیل آنکه در ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری انتشار جریان دادرسی بدون ذکر مشخصات و هویت شاکی و متهم مجاز دانسته شده است، در حالی که در دادرسی‌های غیرعلنی باتوجه به شرایط خاص این‌گونه دادرسی‌ها به‌طور کلی انتشار دادرسی ممنوع می‌باشد،

زیرا قانون‌گذار به‌جهت شرایط خاص برخی از دعاوی، دادرسی‌های اینچنین دعاوی را غیرعلنی اعلام کرده است و هیچ‌گونه اطلاعاتی نباید از دادرسی این دعاوی منتشر شود و اگر قرار بود که جریان دادرسی، دادگاه‌های غیرعلنی انتشار یابد، دیگر غیرعلنی بودن دادرسی ضرورتی نداشت.

منظور از علنی بودن دادرسی وضعیتی است که در آن عملیات رسیدگی به اتهام متهم با نبودن ایجاد مانع بر سر راه حضور افراد عادی و رسانه‌های گروهی تشکیل و اداره می‌شود. عدول از اصل علنی بودن دادرسی جزء در موارد مصرح در قانون شائبه نقض عدالت کیفری را به ذهن متبادر می‌سازد. همچنین این اصل به‌عنوان یک اصل بنیادین حقوقی، یکی از ویژگی‌های نظام اتهامی است که از لحاظ تاریخی قدیمی‌ترین شیوه رسیدگی به دعاوی می‌باشد. در نظام حقوقی ایران، علنی بودن دادرسی در دو اصل ۱۶۵ و ۱۶۸ قانون اساسی و ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است که خود حاکی از توجه قانون‌گذار ایران به اهمیت و تأثیر اصل مزبور در تضمین حقوق و امنیت قضایی افراد است.

از طرفی باتوجه به گسترش رسانه‌های گروهی در عصر حاضر و همچنین باتوجه به این‌که همه اعضای جامعه نمی‌توانند هم‌زمان در جلسه رسیدگی حضور داشته باشند، می‌توان گفت که اصل علنی بودن، در نظام‌های حقوقی امروزی تنها به‌معنای عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد و رسانه‌ها در جلسات دادرسی نمی‌باشد، بلکه شامل انتشار جریان دادرسی توسط آن‌ها نیز می‌باشد. در قوانین کیفری ماهوی کنونی، اعم از قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین، تعریفی از علنی بودن دادرسی بیان نشده است و در قوانین کیفری ماهوی سابق در ماده ۲۱۴ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ در تعریف علنی بودن بیان شده بود که «از نقطه نظر قوانین جزایی، مقصود از ارتکاب عملی به‌طور علنی، ارتکاب آن در مرئی و منظر عموم است، اعم از این‌که محل ارتکاب از امکنة عمومی می‌باشد یا نه و یا ارتکاب آن در امکنة‌ای است که معد برای پذیرش عموم باشد، از قبیل حمام‌های عمومی و قهوه‌خانه و نمایشگاه و مانند آن»، البته در حقوق کیفری، قانون‌گذار در تبصره ماده ۳۵۲ قانون آیین

یافته است.

^۱- وزارت اطلاعات و جهانگردی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تغییر نام

جریان دادرسی علنی در عین حالی که متصور است، عنوان مجرمانه ندارد و قابل تعقیب کیفری نمی‌باشد.

۳-۴- عنصر روانی

برای آن که بتوان جرمی را منتسب به فردی کرده و او را در برابر انجام آن مجازات کرد، علاوه بر عنصر قانونی، مبتنی بر پیش‌بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و عنصر مادی جرم، باید عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شده باشد؛ درواقع باید میان عمل و شخص عامل رابطه ارادی موجود باشد که آن را عنصر روانی یا معنوی می‌نامند. جرم انتشار جریان دادرسی کیفری علنی نیز باوجود این که در ماده قانونی آن سخنی از علم یا آگاهی مرتکب به میان نیامده، ولی در زمره جرایم عمدی است، زیرا اصل بر عمدی بودن است، البته احراز علم یا سوءنیت مرتکب ضروری است. اصولاً ارتکاب غیرعمدی انتشار جریان دادرسی کیفری غیرمحتمل است و درصورت عدم اطلاع و آگاهی جرم موصوف محقق نخواهد شد، ولی وقوع اشتباه امکان‌پذیر است.

اگر مرتکب درخصوص یکی از عناصر جرم اشتباه موضوعی داشته باشد، مسؤولیت کیفری ظاهراً متفی است. به‌عنوان مثال اگر مرتکب درخصوص این که مطلب منتشرشده، حاوی موقعیت اداری یا اجتماعی متهم است، اشتباه کرده باشد، مسؤولیت کیفری نخواهد داشت. درخصوص اثبات سوءنیت عام و سوءنیت خاص در ارتکاب این جرم، به‌نظر می‌رسد که قانون‌گذار اثبات سوءنیت عام را برای محقق شدن این جرم کافی دانسته و نیازی به سوءنیت خاص نباشد، به عبارت دیگر، همین که شخص با اراده آگاه جرم را مرتکب شود، جرم محقق شده و دیگر اثبات این که مرتکب از ارتکاب این جرم قصد خاصی را داشته است، لازم نیست. در مورد مدیران مسؤول مطبوعات، طبق قانون مطبوعات سوءنیت فرض می‌شود و نیازی به اثبات ندارد. به‌موجب تبصره ۷ و تبصره ۴ ماده ۸ قانون مطبوعات مسؤولیت مطالب منتشرشده برعهده مدیر مسؤول است. بنابراین درصورت جهل و یا اشتباه مدیر مسؤول یک نشریه در انتشار جریان دادرسی علنی، وی مجرم خواهد بود. طبق قانون مطبوعات باتوجه به حساس بودن وظایف

دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به تعریف دادرسی علنی پرداخته است. مطابق تبصره این ماده منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است. بنابراین طبق این تعریف قانونگذار، مفهوم این اصل آن است که علاوه بر اشخاصی که به‌عنوان شاکی، متهم، وکیل هریک از آنها، شاهد، کارشناس و ... که در روند دادرسی نقش دارند و توسط دادگاه به جلسه دادرسی دعوت می‌شوند، هرکس هم که به هر دلیل مایل به حضور در جلسات رسیدگی دادگاه باشد، می‌تواند بدون دعوت و احضار قبلی در دادگاه حاضر شده و جریان رسیدگی را از نزدیک مشاهده نماید.

۴-۲-۲-۴- نتیجه مجرمانه

جرایم از لحاظ لزوم یا عدم حصول نتایج مجرمانه، به جرایم مطلق و مقید تقسیم می‌شوند (مجیدی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۸: ۳۰۷). جرم اگر نیاز به نتیجه داشته باشد، مقید نامیده می‌شود و اگر نیاز به نتیجه نداشته باشد، مطلق می‌باشد. جرم انتشار جریان دادرسی، از لحاظ نتیجه مجرمانه مطلق است و ایجاد نتیجه در آن، اعم از این که انتشار جریان دادرسی تأثیری در قضاوت عادلانه داشته باشد یا خیر، موجب از بین رفتن حقوق متهم بشود یا نشود، مهم نیست و به صرف انتشار، جرم محقق می‌شود.

درخصوص جرم انتشار جریان دادرسی باتوجه به این که ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری آن را در حکم افترا می‌داند، باید به مجازاتی که قانون‌گذار برای جرم افترا در نظر گرفته است، مراجعه کرد. به‌موجب ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ۱۳۷۵، مجازات جرم افترا از یک‌ماه تا یک‌سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و یا یکی از آن‌ها حسب مورد می‌باشد. بنابراین مجازات جرم افترا از لحاظ تقسیم‌بندی مجازات‌ها حسب مورد شامل مجازات‌های درجه شش می‌شود، درحالی که ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی فقط برای جرایمی که مجازات‌های قانونی آن‌ها تا درجه پنج می‌باشد، شروع به جرم آن‌ها را قابل مجازات می‌داند، لذا باتوجه به این که قانون برای شروع به جرم انتشار جریان دادرسی علنی مجازاتی تعیین نکرده است، باید گفت که شروع به جرم انتشار

عام علنی، به جز در مواردی که موجب حد باشد، یک‌ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد خواهد بود. تصور این که جرم انتشار جریان دادرسی مستوجب مجازات حدی باشد، دشوار است. به دلیل این که درخصوص ماده ۶۹۷ فقط حد قذف قابل تصور است و قذف نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری است، درحالی که انتشار جریان دادرسی شامل نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری نمی‌شود.

سؤالی که در این بحث ممکن به ذهن برسد، این است که آیا جرم انتشار دادرسی کیفری عام علنی جرمی قابل گذشت است یا غیرقابل گذشت؟ باتوجه به این که ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری این جرم در حکم افترا دانسته و افترا نیز باتوجه به این که طبق ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، ازجمله جرایم قابل گذشت است، برخی با این استدلال، جرم انتشار جریان دادرسی علنی را نیز جرمی قابل گذشت می‌دانند. به نظر می‌رسد که این نظر صحیح نباشد، زیرا قانون گذار فقط مجازات افترا را برای جرم انتشار جریان دادرسی در نظر گرفته است، بنابراین نباید کلیه احکام مندرج برای افترا را به جرم انتشار جریان دادرسی تسری داد. بنابراین باتوجه به این که اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرایم است و قابل گذشت بودن نیاز به تصریح قانون گذار دارد، باید جرم انتشار جریان دادرسی عام علنی را جرمی غیرقابل گذشت دانست.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف واکاوی حقوقی انتشار تصویر متهم در مرحله دادگاه در گزارش‌های خبری صورت گرفت. برای رسیدن به این هدف، در گام اول پژوهش احتمال شناخت هویت افراد را در تصاویر شطرنجی با روش آزمایشی بررسی کردیم. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان داد چهار گروه خانواده، فامیل، دوستان و همسایه به ترتیب با ۸۴، ۷۹ و ۷۴ درصد هویت افراد حجم نمونه را شناسایی کرده‌اند و باتوجه به این که سطح معنی داری آزمون همبستگی بین تصویر شطرنجی متهمان و شناسایی هویت متهمان برابر (۰/۰۲۵) از خطای ۰/۰۵ کمتر بود، لذا نتیجه تحقیق نشان داد شطرنجی کردن تصویر اشخاص تأثیری در عدم شناسایی هویت آن‌ها ندارد.

مدیران مسؤول مطبوعات، نوعی مسؤولیت مطلق برای آن‌ها در نظر گرفته شده است.

۴-۴- مجازات انتشار ناروای جریان دادرسی دادگاه

به موجب ماده ۲ قانون مجازات اسلامی هر رفتاری، اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود. بنابراین اگر برای فعل یا ترک فعلی مجازات پیش‌بینی نشده باشد، آن عمل جرم محسوب نخواهد شد. قانون‌گذار معمولاً حکم و ضمانت اجرا را در یک ماده می‌آورد، ولی گاه این دو را تفکیک نموده و در مواد مختلف جای داده است. گاه این حکم و ضمانت اجرا در مواد مختلف را، در یک قانون و گاه در قوانین متعدد می‌آورد، درواقع آن را به قانون دیگری احاله می‌دهد. درخصوص جرم انتشار جریان دادرسی عام علنی نیز طبق ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار تخلف از این ماده را در حکم افترا دانسته است. باتوجه به این که قانون‌گذار انتشار ناروای جریان دادرسی علنی را در حکم افترا دانسته است، باید به مواد ۶۹۷ و ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ رجوع کرد.

افترا به دو نوع تقسیم‌بندی می‌شود: ۱- افترای قولی؛ ۲- افترای عملی (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۷: ۴۶۱). افترای قولی که در ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده بیان شده، عبارت است از: «نسبت دادن جرمی به دیگران به صورت لفظی و یا از طریق رسانه‌ها یا اوراق چاپی یا نطق در مجامع» و افترای عملی مندرج در ماده ۶۹۹ مذکور نیز وقتی محقق می‌شود که مفتری به قصد متهم کردن افراد، آلات و ادوات جرم را در منزل، جیب یا محل کار شخص قرار دهد، به طوری که وجود آن آلات و ادوات موجب تعقیب کیفری را فراهم آورد.

باتوجه به نوع اعمال مذکور در ماده ۶۹۹ ظاهراً احاله موضوع ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری شامل افترای عملی نمی‌شود. بنابراین برای مجازات تخلف مندرج در ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری باید به ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ۱۳۷۵ مراجعه کرد. براساس ماده ۶۹۷ مجازات جرم انتشار جریان دادرسی

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- انصاری، باقر (۱۳۸۳). «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ۵۲۰: ۵۵-۱.

- بدیعی، نعیم و قندی، حسین (۱۴۰۲). *روزنامه نگاری نوین*. چاپ پانزدهم، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

- تویسرکانی، محمد نبی (۱۴۱۳). *الثالی/الأخبار*. جلد پنجم، قم: انتشارات علامه.

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۶۸)، *ترمیمولوژی حقوق*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- جوان جعفری، عبدالرضا و نوروزی، محمد (۱۳۹۹). «رسانه ای کردن هویت متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها». *فصلنامه حقوقی دادگستری*، ۱۰۹: ۲۲۷-۲۵۰.

- خالقی، علی (۱۳۸۸). «تأمین بر انتشار تصویر چهره متهم در روزنامه‌ها». *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی*، ۸(۱۵): ۱۳-۲۶.

- روشن، محمد؛ بیرانوند، رضا و یار احمدی، حسین (۱۳۹۳). «حقوق شهروندی؛ پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس». *فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی*، ۳۰: ۱۱۱-۱۳۸.

- فخارطوسی، جواد (۱۳۹۱). *حقوق متهمان (بررسی فقهی، حقوقی)*. جلد اول، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

- فرجی‌ها، محمد (۱۳۸۵). «بازتاب رسانه ای جرم». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۲۲: ۵۷-۸۶.

باتوجه به اثبات فرضیه پخش گزارش‌های خبری با چهره شطرنجی متهم از تلویزیون و شناسایی هویت وی در این گزارش، انتشار این تصاویر براساس ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری در حکم افترا بوده و باتوجه به ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵، مجازات آن به جز در مواردی که موجب حد باشد، یک‌ماه تا یک‌سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آن‌ها حسب مورد خواهد بود. تصور این‌که جرم انتشار جریان دادرسی مستوجب مجازات حدی باشد، دشوار است. به دلیل این‌که درخصوص ماده ۶۹۷ فقط حد قذف قابل تصور است و قذف نسبت‌دادن زنا یا لواط به دیگری است، درحالی‌که انتشار جریان دادرسی شامل نسبت‌دادن زنا یا لواط به دیگری نمی‌شود. از طرفی باتوجه به اصل ۱۷۵ قانون اساسی، انتشار این تصاویر مخالف رسالت متعهدانه رسانه ملی در قبال عرضه اطلاعات و اخبار راجع به مسائل جنایی است. این در حالی است که انتشار این تصاویر مخالف صریح اصل برائت و اصل ۳۷ قانون اساسی از حقوق حقه متهم بوده و باتوجه به نتایج این پژوهش، باعث هتک حرمت شخص متهم می‌شود و بار اجتماعی کردن او را در جامعه مشکل‌تر می‌کند. مضاف بر آن که پخش این گونه گزارش‌ها، باتوجه به شناسایی هویت متهم، نقض اصل شخصی‌بودن مجازات‌هاست و تنبیه مضاعفی را به گردن شخص متهم و خانواده او تحمیل می‌کند.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده به‌عنوان نویسنده اصلی و مسؤول است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

^۱- اصل یکصد و هفتاد و پنجم: در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

- کاظمی، سیدسجاد و چگینی، حامد (۱۴۰۱). «تشهیر «متهم»: از اصل ممنوعیت تا موارد اباحه قانونی». پژوهشنامه حقوق کیفری، ۲۶: ۲۱۵-۲۳۹.

- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷). اصول کافی. جلد چهارم، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

- مجیدی، سیدمحمود و تاج آبادی، فاطمه (۱۳۹۸). «تکنیک‌های جرم انگاری امنیت‌مدار در حقوق کیفری ایران». فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۱: ۲۸۹-۳۱۶.

- مقیمی، مهدی و نیازخانی، مرتضی (۱۳۸۹). «بررسی حقوق شهروندی متهمان در مرحله کشف جرم توسط پلیس». فصلنامه کارآگاه، ۱۳: ۹۲-۱۲۴.

- میرشکاری، عباس (۱۳۹۷). «استثناهای حق بر تصویر». فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، ۹(۱): ۴۵۱-۴۷۲.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). جرایم علیه اشخاص. چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات میزان.

